

گفت و گوی صبا با کارگردان فیلم سینمایی «عطر آلود»

اندیشیدن به زندگی در وقفه‌های کوتاه

فیلم عطر آلود به کارگردانی هادی مقدم دوست به قلم حسین حسینی و به تهیه‌کنندگی یوسف منصوری است این فیلم محصول سال ۱۴۰۰ در ژانر اجتماعی، خانوادگی و عاشقانه است. بازیگران فیلم عبارتند از: مصطفی زمانی، هدی زین العابدین، کوروش تهامی، همایون ارشادی، حسام محمودی، سودابه بیضایی، شهرروز ابراهیمی و... که در این فیلم به ایفای نقش پرداخته‌اند. عطر آلود محصول سازمان سینمایی سوره حوزه هنری است که اکنون در اولین دوره جشنواره حوا حضور دارد. فیلم عطر آلود یک ملودرام عاشقانه با ترکیبی از رنج، ترس و وجدان است که چالش‌های یک زوج خوشبخت را در مسیر استحکام زندگیشان تصویر میکند. در ادامه خبرنگار صبا با هادی مقدم دوست گپ و گفتی درباره فیلم داشته که در ادامه می‌خوانید.

هادی مقدم دوست:

اندیشیدن به مرگ و تاثیر آن در انسان

هادی مقدم دوست را پیش تر به واسطه نویسندگی اش می‌شناسیم، او فیلمنامه‌های زیادی نوشته و فیلمنامه درخشان

مشترکش با حمید نعمت‌الله در سریال وضعیت سفید در ذهن تماشاگران ماندگار شده است. او نشان داده است که علاقه زیادی به کار کردن با مضامین اخلاقی داشته و این امر در فیلم سینمایی سر به مهر کاملاً مشهود می‌شود. با این وصف مسلماً او با تمامی عناصر ملودرام آشناست و بر آن‌ها تسلط دارد، به همین خاطر همیشه داستان خود را در فضایی نسبتاً متفاوت روایت می‌کند. مقدم دوست در تازه‌ترین ساخته سینمایی، فیلمی را کارگردانی کرده که به قلم حسین حسینی است و در آن به سراغ قصه زندگی علی، مردی جوان رفته که عاشق عطر و عطرسازی است و برشی نه چندان بلند از زندگی تو را در قابی سینمایی ارائه می‌کند. تلاش قهرمان برای به ثمر رساندن ایده عطری که ساخته، موتور حرکت فیلم در پرده نخست به حساب می‌آید که در نهایت علی و عاطفه را در کنار هم قرار می‌دهد. عشق هم به عنوان تم اصلی پررنگ تر شده و به تار و پود قصه گره می‌خورد. باردار شدن عاطفه و مشکلاتی که علی برای ثبت عطر خود در یک شرکت معتبر دارد، حجم زیادی از نیمه میانی فیلم را دربر گرفته و قصه را با ریتمی آرام پیش می‌راند.

چطور شد از فیلم نامه نویسی به کارگردانی روی آوردید؟

سابقه فعالیت‌های سینمایی بنده به دلیل علاقه به سینما، حاوی فعالیت‌های گوناگون نیست. البته کلمه گوناگون را با اغماض به کار می‌برم، اما بنده هم در جریان فیلمنامه‌نویسی، هم دستکاری کارگردان و هم کارگردانی فیلم و حتی در زمان فعالیت در حوزه فیلم کوتاه فیلمبردار هم بودهام، جدا از اینها فعالیت طولانی و مستمر کار مطبوعاتی و نگارش مطالب مربوط به سر نوشت فیلمنامه و حتی جستار و ستون نویسی و طنز نویسی در نشریات فرهنگی و غیر سینمایی و تدریس فیلمنامه و مشاوره فیلمنامه را هم داشته‌ام. شاید همه اینها از زاویه صنف و اشتغال گوناگون از هم به نظر میرسند اما در حقیقت همه زیر چتر سینما و آموختن سینما و کار خلاقه برای سینما محسوب میشود، حتی جستار نویسی و طنز نگاری را هم همیشه برای خودم مرتبط به سینما میدانستم. پاسخ دقیق بنده این است که واقعا از سمت به سمت دیگر روی نیاورده‌ام، علاقه بنده به فیلمنامه‌نویسی و کار آموزشی و ساخت فیلم و یا حتی اگر اقبال آن را داشته باشم ساخت مستند است. بنده حتی در یک دوره چند ساله دبیر سرویس مستند یک نشریه سینمایی بودم و آنجا به طور متمرکز بر روی فیلمنامه سینمای مستند کار میکردم. فعالیت خلاقه و مفید فرهنگی در عرصه سینما برای بنده میادین چندگانه‌ای دارد که از ابتدا به سراغ تمام آن میادین میرفتم. بنده کارم را از ساخت فیلم کوتاه شروع کردم و بعد از آن چند سال یکبار فیلم‌های نیمه بلند و سینمایی و سریال هم ساختم. در این بین به طوری جدی سالهای زیادی فیلمنامه نوشتم که شاید ساخت دوباره فیلم بعد از سالهای نگارش این تصور را به وجود بیاورد که بنده به کارگردانی روی آورده‌ام. اما هیچ غیرمحمول نیست که شاید اگر عمری و اقبالی باشد باز طی دوره‌های فیلمنامه بنویسم. هم‌اکنون کار سینماست. راستش حتی یک دوره‌های به این فکر میکردم کاش بتوانم برای کودکان برنامه‌ها تر کبیبی بسازم اما

آن عرصه‌های ست که مطالعه و تخصص بسیار میخواهد. تفاوت‌ها و جنس کاری و حرفه‌ای یک فیلم نامه نویس که قرار است حالا کارگردانی کند چیست؟

فرق چندانی ندارد. کارگردانی و شروع ساخت فیلم یک ضرورتی دارد. کارگردانی که خودش ننویسد قطعاً باید فیلمنامه را عمیقاً درک کند، کارگردانی هم که خودش متن را نوشته یا نویسندگانی که تصمیم به ساخت و کارگردانی نوشته خودش گرفته هم این فرایند درک متن را طی کرده. از اینجا به بعد کارگردانی توسط نویسنده یا کارگردانی متن دیگری فرایندی کاملاً مشابه دارد. تفاوت فقط این میتواند باشد که اگر متن در لحظاتی نیاز به باز نویسی داشته باشد کارگردانی که خودش نوشته تغییرات را انجام میدهد و در غیر این صورت نویسندگانی لازم است که همراهی با تولید را ادامه دهد و هنگام نیاز حضور داشته باشد. این اتفاق که متن احتیاج به باز نویسی دارد زیاد رخ میدهد. اگر نویسندگانش کارگردان باشد طبعاً قدری سرعت تغییرات بیشتر میشود. ولی در مجموع به نظر بنده فرق چندانی ندارد.

فیلم عطر آلود طی چه پریشی در ذهن تان شکل گرفت و چگونه پرورش دادید؟

فیلمنامه این کار نوشته حسین حسینیست و البته بنده نیز به همراه یوسف منصوری تهیه‌کننده در جریان نگارش بودیم و جلسات زیادی داشتیم و راجع به این پریش اولیه صحبت کردیم. پریش این است: تاثیر اندیشیدن و آگاهی به مرگ در انسان چیست. این پریش عمده‌ترین پریش بود.

در مواجهه با خلق اثر و قابلیت بازگو کردن آن در چارچوب ممیزی‌های ارشاد به مشکل برخوردید؟ اگر بر خوردید چگونه توانستید با نرمش هم حرف تان را بزنید و هم نظر رضایت حاصل را کسب کنید؟

وقتی گفتگوهای بین عوامل نگارش و ساخت و کارشناسان یک گفتگوی فرهنگی و هنری و تخصصی مبتنی بر زبان سینما و فیلمنامه‌نویسی و اهداف مشترک باشد و دو طرف با هم از روی سلیقه محض و یا نگرانی یا تفاوت دیدگاه‌های سنگین و متضاد حرف نزنند اتفاقی که در فرایند تولید میافتد اتفاق مثبت و مفید هم افزایش پیدا میکند. دقیقاً گفتگوی مانند گفتگوی دو همکار. رابطه همکارانه و دو طرفه بود. وقتی حرف‌های هم را به دقت بشنویم و به حرف‌های هم فکر کنیم راه برای مفاهیم و استفاده از نظرات همدیگر باز میشود. رابطه ما خوشبختانه اینگونه بود. کیفیت هم‌ترازی و مفاهیم هر رابطه‌های را تبدیل به رابطه موثر و آرام و نتیجه‌بخش میکند.

در طول نوشتن و ساخت عطر آلود از مشورت چه دوستانی استفاده کردید؟

با چند گروه مشاوره داشتیم. بیشترین آن با عطر سازان و پزشکان بود. مشاوره و کمک‌های آقای مهدی فرجی نیز بسیار مفید و موثر بود.

فیلم دیگری را در دست دارید؟

به امید خدا برنامه دارم با محمدرضا شفیعی فیلمی به نام مومن که در حال نگارش فیلمنامه آن هستیم را به انجام برسانم.



گلاب آدینه بازیگر هزار چهره سینمای ایران

مگر می‌شود در ویژنامه‌ای که به مناسبت جشنواره حوا با موضوعیت زن و خانواده در سینمای ایران منتشر می‌شود از بانویی که تئاتر، تلویزیون و سینما مدیون هنرنمایی‌های اوست سخن نگوئیم و مطلبی منتشر نکنیم. از نگاه نگارنده گلاب آدینه بازیگر هزار چهره سینمای ایران است و بازی‌های او در نقش‌ها و کاراکترهای متعدد و متنوع حکایت از استعداد بازیگری حرفه‌ای در سینمای ایران دارد. چه کسی می‌تواند منکر بازی‌های بی‌بدیلی او در فیلم‌هایی چون روسرس آبی، بانوی اردیبهشت، زیر پوست شهر، زردقناری و یا مهمان مامان و... شود. برآستی که بازی او در هر فیلم یا نمایشی که به روی صحنه نظاره گر بودیم تحسین همگان را برانگیخته و او را جزو بازیگران طراز اول قرار داده است. بانو گلاب مستعان معروف به گلاب آدینه بازیگر و کارگردان سینما و تئاتر و تلویزیون، فرزند نویسنده شهیر و بزرگ داستان‌های عامه‌پسند مطبوعات و روزنامه‌نگار موثر در دهه‌های ۲۰ و ۳۰، در کارنامه خود سه نقش از زنان متعلق به طبقه فرودست جامعه را بازی کرده است که ویژگی این زن‌ها تلاش آنها حفظ کانون خانواده بوده است. کبوتر در روسری آبی تلاش می‌کند دوام بیاورد تا بالاخره با مرد مورد علاقه‌اش که او نیز کارگری بیش نیست ازدواج کند. طوبا در زیر پوست شهر در گیرودار تنش‌های اقتصادی یک خانواده حاشیه‌نشین کار می‌کند و کار می‌کند تا خانواده با فرزندان نااهنگون خود متلاشی نشود. او در حاشیه شهر و سیاست با دیو فقر ستیز می‌کند و زندگی عفت در مهمان مامان هم که جنگ مامان برای پهن کردن آن سفره رنگین ابرومند با آن مصائبی که در پی داشت. همه این کارکترها با بازی‌های متفاوت گلاب آدینه از ورطه تکرار یک نقش نجات پیدا کردند. بانو آدینه نیز خود در این باره گفته است: این زنان از طبقه یکسانی هستند اما شخصیت یکسانی ندارند. به همین خاطر ریزه کاری‌ها و جزئیات نقش‌ها در کبوتر و طوبا و عفت با هم تفاوت دارند. اینجا است که تجربه و استعداد به داد بازیگری می‌رسد که قرار است پشت سر هم نقش زنان فرودست و حاشیه‌نشین را بازی کند، بغض کند و گریه نکند، دل‌داری بدهد، قربان صدقه بچهارپرو و از نداری و تنگناهای زندگی حرف بزند. برآستی او هنرمندی است که در آثار متفاوت زبان گویای زنان و بانوان ایران زمین بوده و هست.

